سید شهاب حسینی دومین متن خود در انتقاد از انصراف برخی هنرمندان از جشنواره فجر را منتشر کرد

۲ واحد درس شرافت

شهاب حسینی عقیده دارد بعضی انصراف‌ها انگیزه‌های شخصی دارند نه همدردی با مردم

گروه فرهنگ و هنر

تکانه‌های انصراف‌های اخیر تعدادی از هنرمندان حوزه‌های مختلف از حضور در جشنواره‌های مختلف تئاتر، فیلم، تجسمی و موسیقی فجر حالا به حواشی قابل تاملی رسیده است. جدیدترین این حواشی، رفت و برگشت‌های اخیری است که سیروان خسروی و مهراب قاسم‌خانی با هم داشته‌اند. به جز اینها، موضع اخیر شهاب حسینی، بازیگر مطرح سینما هم به وزن این تکانه‌ها افزوده است.

حسینی که در یکی از پست‌های اخیرش در اینستاگرام تلویحا به بعضی از منصرفان جشنواره فیلم فجر نقد کرده بوده حالا در پست جدیدش، صریح‌تر به این موضوع انتقاد کرده و نوشته، نمی‌شود از جشنواره‌های دولتی و حاکمیتی انصراف داد و در عین حال با سرمایه‌های مراکز دولتی در سینما حضور داشت. حسینی این را هم اعلام کرده نگاهی به کارنامه کسانی که انصراف داده‌اند تا حدی نشان می‌دهد نیت و انگیزه این اقدام نیست. اشاره او به پست قبلی‌اش است که بعضی از واهمه مواجهه منتقدان با آثار ضعیف‌شان از حضور در این رویدادها انصراف داده‌اند، ولی آن را به نام دفاع از حق مردم سند زده‌اند.

شاید بتوان مهم‌ترین موضع این روزهای هنرمندان را به مواضع خاص و متفاوت شهاب حسینی نسبت داد. بازیگر و سوپراستار بی‌حاشیه سینمای ایران که ظاهرا ابایی از گفتن بعضی واقعیت‌های حرفه‌ای حوزه خودش ندارد.

حسینی در پستی که سه روز قبل در اینستاگرامش منتشر کرده بود با اشاره به این‌که فعلا نسبت به موضوعات مهم مملکت به دلیل اطلاع نداشتن از جزئیات صرف‌نظر می‌کند ولی نسبت به حوزه حرفه‌ای خود نمی‌تواند سکوت پیشه کند، نوشت: «شاید در حال حاضر شرایط متناسب نباشد که از تهدید سقوط از مرز استانداردهای حرفه‌ای حرف زده شود، ولی عملکرد تعدادی از همکاران که بعضا در پشت آنها انگیزه‌های شخصی فراوان موج می‌زند، این واکنش را می‌طلبد.»

حسینی، جشنواره فیلم فجر را مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور توصیف و اعلام کرده که انصراف تعدادی از هنرمندان این حضور در این رویداد، دامن‌زدن به افتراق است که ممکن است حتی میان خود هنرمندان و طرفداران‌شان هم شکاف ایجاد کند.

این بازیگر سینما متن خودش را با طعنه کنایه‌آمیز دیگری به پایان رسانده بود: «ای‌کاش نیت‌هایمان هم خالص باشد و بنا به صلاح شخصی خود، فی‌المثل از ترس برخورد تحقیرآمیز مخاطب با فیلم‌هایمان به سیاق و روال ادوار گذشته پشت احساسات پاک مردم قایم نشویم!» این اشاره حسینی احتمالا بیش از هر موضوعی، انصراف مسعود کیمیایی از حضور در جشنواره را در ذهن تداعی کند. سینماگری که فیلمش در جشنواره سال ۹۵ هم با انتقادات زیادی روبه‌رو شد تا جایی که کیمیایی در واکنش با این برخوردها در نشست خبری گفت بعضی پول گرفته‌اند تا پای فیلم او بنشینند و بخندند!

واکنشی که البته حاشیه‌های زیادی برای او ایجاد کرد. حاشیه‌هایی که نه تنها موجب عقب‌نشینی حسینی از مواضعش نشد بلکه در ادامه، صریح‌تر و شفاف‌تر هم ادامه پیدا کرد. انگار که او ترس و واهمه‌ای از بیان شفاف دیدگاه‌هایش نداشته باشد. حسینی قصد داشت برای روشن‌تر شدن فضا درباره آنها مجدد اعلام نظر کند.

شهاب خان که انگار، فحاشی‌ها و نفرین‌ها خیلی او را اذیت کرده، شروع مطلبش را با انتقاد از این برخوردها شروع کرده و خطاب به آنها نوشته: «در برابر شما ادب می‌کنم و با نگاهی چون لقمان به شما می‌نگرم و پرهیز می‌کنم از آنچه شما انجام دادید.» حسینی در ادامه نوشته از این حجم خشونتی که در وجود چنین افرادی است فهمیده اگر اینها در مسند کار بودند، عملکردی بهتر از وضعیت امروز نداشتند.

او با گلایه از خوردن انگ سیاسی و با اعلام این‌که منتقد نوع برخوردها با وقایع ۸۸، آبان ۹۸، سانحه اخیر هواپیما و موارد و مسائل مشابه است، خطاب به بعضی از چهره‌ها و اتهام ریاکاری به آنها نوشت: «چطور می‌شود دم از انصراف بزنیم در حالی که کارهایی در کارنامه خود داریم که بودجه آن مشخصا از نهادهای قدرت تامین شده؟! این اگر ریاکاری نیست، پس چیست؟!» او در ادامه با اشاره به دو اثری که خودش در آنها بازی کرده (سریال شوق پرواز، فیلم دل‌شکسته) و ظن این مساله را در ذهن تداعی می‌کند اشاره کرده که اولی را به احترام شهید بابایی بازی کرده و دومی را هم با دستمزدی اندک و برای ترسیم الگویی مناسب برای بسیج و بسیجی بودن.

درست است که گزارش را با حواشی و تذکرات اینستاگرامی اخیر شهاب حسینی آغاز کردیم، ولی اگر بنا باشد به تندترین رفت و برگشت این روزها، سیمرغ یا زرشک بلورین داده شود باید سراغ سیروان خسروی و مهراب قاسم‌خانی برویم.

هرچند میان هنرمندان، موج انصراف از جشنواره تا حدی گرم شده بود، ولی در این میان بودند کسانی هم که مواضع متفاوتی گرفتند. به جز کسانی مانند نادر مشایخی و کیهان کلهر، یکی دیگر از افرادی که موضع متفاوتی گرفت و ترجیح داد با موج شکل گرفته همراهی نکند، سیروان خسروی بود. موضعی که البته با واکنش مهراب قاسم‌خانی روبه‌رو شد و در ادامه یکی از تندترین رفت و برگشت‌های فرهنگی اخیر را به خود اختصاص داد. خسروی بعد از سانحه سقوط هواپیمای اوکراینی و در نقد به جریانی که برخی هنرمندان در واکنش به این موضوع راه انداخته بودند متن صریحی نوشت که دلالت‌های روشن ضمنی به اقدامات بعضی هنرمندان داشت.

خسروی صریحا اعلام کرده بود اقدامات بعضی از سلبریتی‌ها نه از باب همراهی با عزاداران و داغداران حادثه اخیر، بلکه از جهت شهوت دیده شدن است: «نه سبز بودم، نه بنفش شدم، نه تکرار کردم و نه سیاه می‌شوم ولی افسوس که هنوز هم بسیارند کسانی که دنباله‌رو سلبریتی‌های آفتاب‌پرستی هستند که یك روز سبزند، یك روز بنفش، یك روز عزادارند، یك روز به فلان کاندیدا اعتقاد راسخ دارند، روز دیگر تظاهر به فریب‌خوردگی می‌کنند، یك روز تاریخ‌سازند و روز دیگر تاریخ‌باز.» اشاره خسروی به بعضی از هنرمندان بود که در پویش‌های تبلیغاتی کاندیداهای ریاست جمهوری ۹۲ و ۹۶ حضور داشتند و بعضی دیگر مانند امیرمهدی ژوله بعد از دیدن کارنامه عملکرد کاندیداهای مورد حمایت‌شان از دعوت مردم برای رای دادن به رئیس‌جمهور فعلی عذرخواهی کرده بودند.»

این پست اینستاگرامی اما با واکنش مهراب قاسم‌خانی روبه‌رو شد. قاسم‌خانی بدون ذکر نام و با طعنه خطاب به خسروی نوشته بود این‌که کنار ایستاده‌ای انتخاب شخصی خودت است. این را تبدیل به ژست قهرمانانه نکن. به اعتقاد قاسم‌خانی: «کسانی که لباس پوشیده و وسط رویدادها حاضر شده و لباس‌شان خاکی شده به امید تغییر حرکت کرده و رای داده و بقیه را هم دعوت به رای‌دادن به کاندیدایشان کرده‌اند و نسبت به رویدادهای اطرافشان واکنش نشان داده‌اند.» به عقیده او ممکن است در این میان اشتباه هم بکنند.

قاسم‌خانی در ادامه از یکی از خاطراتش یاد کرده بود که برای حرکتی در حال جمع کردن امضا از هنرمندان بوده، اما یکی از هنرمندان در پاسخ به دعوت او اعلام کرده بود حرکت‌شان را قبول دارد اما چون بیشتر مخاطبانش از طیف مقابل هستند ترجیح می‌دهد وارد این معرکه نشود. نکته جالب این است قاسم‌خانی بخش نظرات پست خودش را هم بسته بود.

این پست هم مجدد با واکنش خسروی روبه‌رو شد. خسروی خطاب به او نوشت: «به یاد داری در ایام انتخابات پیشین با من تماس گرفتی و گفتی از طرف تیم آقای روحانی پیشنهاد شده که من (سیروان خسروی) در ازای دریافت دستمزد سه سئانس کنسرت تهران، سه چهار آهنگ در تجمع هوادارهای ایشون در استادیوم ۱۲ هزار نفری آزادی اجرا کنم.» او در ادامه هم با لحنی طعنه‌آمیز نوشته بود: «اگه از نظر تو این موضوع نشون میده که شما و هم تیمی‌هاتون اومدین وسط و ریسك کردین و لباستون خاکی شده و من هیچ عملی انجام نمی‌دم و سر از اینجور مسائل در نمیارم و فقط زندگی خودم برام مهمه، من دیگه نیازی به توضیح بیشتر نمی‌بینم.» جالب آن‌که خسروی در انتهای متن خودش هشتگ زده بود #کامنت‌ها_را_نبندیم!

لابه‌لای حواشی این روزها ظاهرا به نظر می‌رسد مدل و الگویی که هنرمندانی مانند شهاب حسینی در پیش گرفته‌اند، الگویی مناسب و قابل تعمیم برای هنرمند و هنرمندی باشد. حسینی در زمره کسانی است که به جز فعالیت حرفه‌ای در حوزه خودش، فرامتن و حاشیه‌ای به خصوص در فضای اصطکاک‌های غیرفرهنگی و سیاسی ندارد. می‌توان با بعضی آثاری که حسینی در آن به ایفای نقش پرداخته مخالف بود و نقدهای محتوایی و مضمونی به آنها داشت ولی به دلیل سفید بودن کارنامه‌های فرامتنی‌اش و مرام و سیره‌ای که در پیش گرفته باعث شده که او اگر نقد و سخنی هم داشته باشد، رسانه‌ها و مخاطبان و منتقدان آن را خالی از اغراض و نیات سیاسی و غیرفرهنگی بدانند. به همین دلیل هم کنش‌های او عموما کنش‌هایی برخاسته از منطق و خرد تعبیر شده و در این میان اگر مخالفت با او بر مبنای تعصب سیاسی و خالی از منطق باشد، چاره‌ای نیست جز انگ سیاسی و جناحی به او زدن. کاری که منتقدان حرکت اخیرش با او کرده‌اند.

یادداشت:
محمدصادق علیزاده
دبیر فرهنگ و هنر

روشن مثل شهاب

هر قدر حرکت بعضی از هنرمندان در نسبت با جشنواره‌های فرهنگی فجر مایه خبر و حاشیه شده بود، دو واکنش اخیر شهاب حسینی به آن ضریب دو چندان داد.

ضریب دو چندان، اما در مسیر و جهتی خلاف مسیر و جهت اولیه‌ای که مد نظر جریان غالب در فرهنگ و هنر بود. او که در مطلب نخست خود نسبت به جریان انصراف‌ها در جشنواره فیلم فجر در مقام نقد برآمده و آن را نه از سر همدردی با مردم دانسته بود بعد از واکنش‌های متعدد بهتر در آن دید که بعضی نقدها و صحبت‌هایش را شفاف‌تر از پیش بیان کند.

متن دوم حسینی که آنها را با عنوان سیدشهاب حسینی منتشر کرده به وضوح دارای چند محور مهم است. مهم‌ترین محور این متن را می‌توان نقد تند حسینی به کسانی دانست که از یک سو در پروژه‌های سازمانی و دولتی و حاکمیتی دارند و از سوی دیگر در مقام ژست مستقل بودن به انصراف از جشنواره می‌رسند. مصادیقی مانند بابک حمیدیان را شاید بتوان گزینه‌های مورد اشاره حسینی دانست.

کسانی که در پروژه‌های سینمایی با بودجه‌های حاکمیتی حضوری فعال دارند، اما در عین حال از مدعیان استقلال هم محسوب می‌شوند. حسینی در متن خود صریحا این رفتارها را «ریاکارانه» توصیف کرده است.

بخش دیگر متن حسینی ناظر به تذکر و یادآوری ریشه‌های فرهنگی و عقیدتی و هویتی اوست. او در این متن ابایی ندارد از آن‌که این ریشه‌ها را در بستر فرهنگ و اعتقاد دینی ترسیم کند.

او در این بخش‌ها که احتمالا در پاسخ به انتساب او جریان یا جریان‌های سیاسی نگاشته شده صریحا به منتقدان یادآوری می‌کند که نگاه و بینش اعتقادات او به واسطه تربیت خانوادگی در تار و پود شخصیتش تنیده شده و حتی به بهای جان هم حاضر به تعویض آنها به بهای وابستگی به نهادها و جریان‌های سیاسی و قدرت نیست چه در داخل و چه در خارج ایران.

موضوعی که در میان جریان قاطبه هنر و سینما، موضوع به شدت قابل توجه و تاملی به شمار می‌رود.

شهاب حسینی اما ابایی از فریاد کشیدن این ریشه‌های هویتی ندارد. او در عین این‌که خود را منتقد بسیاری از امور ریز و درشت موجود در جامعه می‌داند از برخوردهای صورت گرفته در سال ۸۸ گرفته تا اتفاقات آبان امسال و حتی اشتباه صورت گرفته در سانحه اخیر هواپیمای اوکراینی، اما به این مساله تاکید دارد به جای تحریک احساسات و موج‌سواری کردن مبتنی بر بعضی از انگیزه‌های شخصی باید با این مسائل با عقل و منطق و خرد برخورد کرد.

به تعبیر او، جریان‌هایی مانند انصراف‌های اخیر نمونه‌ای از برخورد احساسی محسوب می‌شوند که کارکردی به جز دامن زدن به شکاف‌ها ندارند.

پشت صحنه

تیکت زدی پشت‌صحنه می‌خونی؟

اول صبحی اثاث‌کشی دو نفر از اعضای گروه را پشت سر گذاشتیم. دو تا از بچه‌های گروه تصمیم گرفته بودند جایشان را با هم عوض کنند و خلاصه روال اداری پیچیده تیکت زدن توسط دبیر تازه از سفر برگشته گروه -که جا دارد برای سلامتی‌اش صلوات بفرستید و دعا کنید که خدا همیشه سایه‌اش را بر سر گروه نگه دارد- انجام شد.

این تیکت زدن ماجرایی دارد خودش که از شوخی‌های مهم بچه‌های تحریریه با دوستان بخش فنی روزنامه است. آنقدر که برخی کارمندان بانك‌های نزدیك روزنامه هم از ماجرای تیکت زدن خبر دارند و ممکن است با دیدن آقایان محمدی، روحی و فلاحی از آنها بپرسند: تیکت زدی اومدی بانك؟! حالا جا دارد من هم همین اول کاری بگویم شما تیکت زدید پشت صحنه می‌خونید!

دور نشویم از بحث اصلی. خلاصه دبیر تیکت زد و اثاث‌کشی‌ها انجام شد. اعضای گروه هم مثل پلنگ کار کردن را شروع کردند. افراد یکی از دیگری قبراق‌تر و خوش‌ایده‌تر. موضوع گزارش‌ها را که بگویم خودتان متوجه می‌شوید اوضاع از چه قرار است.

فقط اندر اهمیت پشت صحنه این را هم بیفزایم که جناب کمینه علی مظاهری که ما بیشینه صدایشان می‌زنیم، با همین ستونی که دیروز منتشر شد، کلی معروف‌تر شدند و از ما برای نوشتن در این ستون تشکر کردند. حالا هی بخوانید، بخندید و بگویید پشت صحنه بد است!

صابر محمدی امروز رفته سراغ اتفاقات حراج تهران که عصر روز جمعه با فروش آثار هنرمندان پیشکسوت و جوان برگزار شد. او قیمت آثار را بررسی کرده و به این موضوع پرداخته که کدام دسته از آثار این دوره با فروش بهتری روبه‌رو بوده‌اند و معیار خریداران آثار با چه تغییراتی همراه بوده است. محمدی همچنین اوضاع اقتصادی این دوره از حراج و موارد دیگری را درباره این رویداد بررسی کرده است.

در همین صفحه ۹ هم محمدصادق علیزاده، همان دبیری که کلی اول ستون دعاگویش بودیم، رفته سراغ حواشی پیش‌آمده میان هنرمندان بر سر موضوع استعفا از جشنواره‌های هنری. این حاشیه‌ها حالا آنقدر بالا گرفته که شهاب حسینی هم پایش به آن باز شده و خیلی‌های دیگر هم در حال اظهار نظر درباره‌اش هستند. از بازخوردهای فضای مجازی هم که نگوییم برایتان...

هفته گذشته گزارشی در صفحه ۱۱ داشتیم درباره اسپانسر این دوره از جشنواره فیلم فجر. گزارش بازخوردها و حواشی بسیاری داشت که دوستان گروه سینما امروز دوباره در صفحه‌شان یعنی همان ۱۱ مفصل به آن پرداخته‌اند.

صفحه آخر را هم گلچین روزگار گرفت و برد. امان از آگهی.... امان امان.